

بررسی اتحاد و عدم اتحاد سنّ بلوغ در باب معاملات و عبادات از منظر شیخ طوسی و صاحب جواهر رحمتهما

محمدعلی عزیزی بندرآبادی^۱

چکیده

این پژوهش به بررسی مسئله اتحاد یا عدم اتحاد سن بلوغ در معاملات و عبادات از دیدگاه دو فقیه برجسته شیعه، شیخ طوسی و صاحب جواهر می‌پردازد. با وجود نقل قول‌های متفاوت از شیخ طوسی درباره سن بلوغ، بررسی دقیق آثار اصلی ایشان نشان می‌دهد که وی برای پسران، سن ۱۵ سال قمری را به صورت یک پارچه برای تمام تکالیف شرعی، اعم از عبادات و معاملات، تعیین کرده است. اختلافات موجود در منابع ثانویه عمدتاً ناشی از تحریف نسخه‌های خطی، استناد به نقل قول‌های واسطه‌ای نادرست و خلط بین مفاهیم فقهی است. صاحب جواهر نیز با صراحت و وضوح، سن بلوغ را در تمام ابعاد شرعی ۱۵ سال قمری می‌داند و هرگونه تفکیک بین عبادات و معاملات را رد می‌کند. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه مستقیم به متون اصلی این دو فقیه، به تبیین دیدگاه آن‌ها پرداخته و وحدت نظر آن‌ها را در این مسئله اثبات می‌کند.

واژگان کلیدی: شیخ طوسی، صاحب جواهر، عبادات، معاملات، سن بلوغ، پانزده

سال قمری.

۱. طلبه پایه هشتم مدرسه شهیدین رحمهم قم.

رایانامه: ali.office.1400@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۹۲۷۲۵۷۱۰۳



۱. مقدمه

تعیین سنّ بلوغ به عنوان یکی از مباحث بنیادین فقه اسلامی، همواره در کانون توجّه فقها و پژوهش‌های حقوقی قرار داشته است. اهمیت این موضوع از آنجا نشئت می‌گیرد که بلوغ، نقطه عطفی در تحوّل وضعیت تکلیفی انسان محسوب شده و به عنوان شرط اساسی در صحت عبادات و نفوذ معاملات عمل می‌کند. در این میان، مسئله اتحاد یا عدم اتحاد سنّ بلوغ در دو حیطة متمایز عبادات (مانند نماز، روزه، حج) و معاملات (مانند بیع، نکاح، وقف) به‌ویژه از منظر دو چهره تأثیرگذار فقه شیعه - شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ق) به عنوان بنیان‌گذار مکتب فقهی نجف و صاحب جواهر (متوفای ۱۲۶۶ق) به عنوان نقطه اوج فقه استدلالی - از پیچیدگی و ابهامات قابل توجهی برخوردار است. مطالعات انجام‌شده در حوزه فقه امامیه حاکی از آن است که مسئله سنّ بلوغ به عنوان یکی از محورهای مهم تحقیقاتی، همواره از جنبه‌های مختلفی چون مفهوم‌شناسی، ادله شرعی و تطبیق با مسائل نوپدید مورد کنکاش قرار گرفته است.

پژوهش‌های پیشین عمدتاً به تبیین کلیات بلوغ، بررسی ادله تفاوت سنی بین دو جنس و نیز تحلیل مصادیق آن در عبادات پرداخته‌اند. هرچند هیچ مقاله‌ای مستقلّاً سنّ بلوغ در عبادات و معاملات از منظر این دو فقیه را بررسی نکرده، اما مقالات مختلفی ذیل بررسی مسئله بلوغ و اقسام آن، به سنّ بلوغ اشاره کرده و حدود آن را از دیدگاه فقه‌های شیعه مورد بررسی قرار داده‌اند. (وکیلی، دانش نهاد، ۱۴۰۱، نقد و بررسی اقسام بلوغ و آثار شرعی آن، دوفصلنامه علمی تخصصی مصباح الفقاهه، ش ۷، ص ۱۲۳-۱۰۱) از آنجا که عنوان این دسته از مقالات، اعم از سنّ بلوغ است از تدقیق در سنّ بلوغ پرهیز شده است.

دسته‌ای دیگر از مقالات به تحدید سنّ بلوغ پرداخته و اثر تکلیفی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند که موضوع آن‌ها نیز اعم از موضوع مورد بررسی در این مقاله است. (الجواهری، حسن، ۱۴۳۰ق، الأهلیة و تحدید سن بلوغ و أثره فی التکلیف، نشریه فقه أهل البیت، ش ۵۴، ص ۹۰-۶۱)

تعداد قابل توجهی از مقالات دیگر، سنّ بلوغ را با انگیزه و گرایش حقوقی و مدنی مورد واکاوی قرار داده‌اند و برخی نیز با نگاهی حقوقی - اجتماعی، به مقایسه دیدگاه‌های فقهی با نظام‌های تقنینی معاصر همّت گماشته‌اند. (قاسم زاده، سیدمرتضی، ۱۳۸۱، سن بلوغ، فصلنامه



دیدگاه‌های حقوقی، ش ۲۵، ص ۴۳-۳۱) این انگیزه در نگارش موجب شده است که نگارندگان این مقالات به قول مشهور از فقهای امامیه و همچنین اهل سنت در تعیین سنّ بلوغ اکتفا کرده و به بررسی سنّ بلوغ در قوانین مدنی کشورهای مختلف اهتمام بیشتری داشته باشند. هرچند برخی از نگارندگان این دسته از مقالات به تفکیک سنّ بلوغ در معاملات و عبادات پرداخته و یکی از محورهای اصلی مقاله خود را بررسی این تفکیک بیان کرده‌اند، اما انگیزه مذکور، مانع از بررسی دقیق در تعیین سنّ بلوغ شده و نگارنده مقاله به استنادهای مختصر اکتفا نموده است. (توکل، مصلح، ۱۳۹۷، مرتبه‌پذیری مرتبه بلوغ و گونه‌های مسئولیت ناشی از آن در فقه مذاهب اسلامی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی فقه مقارن، ش ۱۱، ص ۱۹۳-۱۷۵)

اغلب مقالات دیگر در موضوع محلّ بحث، هرکدام به نحوی، فاقد تدقیق به کار رفته در موضوع پژوهش حاضر می‌باشند. تعداد قابل توجهی از پژوهش‌ها در این زمینه، به تفکیک سنّ بلوغ در عبادات و معاملات توجه کافی ننموده و به پژوهش تطبیقی و پراستناد در تعیین سنّ بلوغ دست نیافته‌اند. (احمری، نوری و رزمی، ۱۴۰۱، بررسی سن بلوغ و مفهوم شناسی آن از منظر فقه امامیه، مطالعات فقهی و فلسفی، ش ۴۹، ص ۲۱-۲؛ کرمی، رضاعلی، ۱۳۹۶، واکاوی ادله فقهی شیعه درباره شرطیت بلوغ در صحت معاملات، فقه و اصول، ش ۴، ص ۱۱۰-۸۹) تمرکز غالب این تحقیقات بر حوزه عبادات بوده و به‌ویژه به بیان ادله تفکیک سن بلوغ دختران و پسران محدود شده است. (کیکاوسی و جعفری قاضی جهانی، ۱۴۰۱، مخاطب روایات متضمن تعیین سنّ بلوغ، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای فقه، ش ۹، ص ۱۰۳-۸۱)

در میان کتب شیعه، از دیرباز تا کنون، در ابواب مختلف فقهی از سنّ بلوغ بحث شده است. در متون فقهی شیعه، سنّ بلوغ معمولاً در ذیل مباحث «حجر» (اهلیّت تصرف مالی) و «عبادات» (مانند نماز و روزه) مطرح می‌شود. از متون اولیه فقههای شیعه، شیخ مفید در «المقنعه» ذیل «کتاب الصلاه» و «کتاب البیع» در مورد سنّ بلوغ صحبت کرده است. (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۷۹ و ۵۷۲) بعد از قرن پنجم هجری و به ویژه با تأسیس مکتب فقهی - اصولی نجف توسط شیخ طوسی، این موضوع به تدریج به صورت مستقل، با استدلال‌های تفصیلی (روایی، عقلی، اجماع) و در فصل‌های مجزای کتب فقهی مورد بحث قرار گرفت. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۵؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۵۰)

در مقابل، مسئله سنّ بلوغ در معاملات و استدلال‌های مربوط به آن، کمتر مورد توجه



جدّی قرار گرفته و خلأ پژوهشی محسوسی در این عرصه به چشم می‌خورد. افزون بر این، بررسی آرای خاص فقهای نامداری چون شیخ طوسی و صاحب جواهر به صورت تطبیقی و در هر دو عرصه عبادات و معاملات، در تحقیقات گذشته مغفول مانده است. با وجود نقل قول‌های متناقض از شیخ طوسی در منابع متأخر، وحدت رویه روشنی در آثار اصلی ایشان مشاهده می‌شود. این در حالی است که دیدگاه صاحب جواهر در جواهر الکلام، از صراحت و انسجام بی‌چون و چرا برخوردار است. ساختار این پژوهش در سه محور اصلی طراحی شده است: تبیین مفهوم شناختی بلوغ در لغت و اصطلاح فقهی، تحلیل تطبیقی آرای شیخ طوسی در عبادات و معاملات با ردّ ادّعاهای اختلافی، و بررسی نظام‌مند دیدگاه صاحب جواهر و استخراج مبانی استدلالی ایشان. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی درصدد است تا با واکاوی دقیق متون اصلی، هم‌گرایی دیدگاه این دو فقیه را در تعیین سنّ واحد ۱۵ سال قمری برای تمامی شئون تکلیفی به صورت مستدل اثبات نماید. یافته‌های آن می‌تواند معیاری برای حل اختلافات فقهی مشابه در حوزه نسخه‌شناسی و برداشت از متون قدیمی باشد و گامی در جهت وضوح بخشیدن به مبانی تکلیف شرعی در فقه امامیه محسوب شود. توجّه به این وحدت رویه، هم در راستای پالایش برداشت‌های تاریخی از متون و نسخ قدیمی و هم در جهت تثبیت معیارهای دقیق برای تعیین حدود تکلیف، از اهداف بنیادین این پژوهش فقهی - تطبیقی است. باید بیان داشت که عدم وجود اختلاف در سنّ بلوغ دختر در بین متقدمین و متأخرین، مخصوصاً در آثار دو فقیه مورد مطالعه، ما را بر آن داشت که فقط سنّ بلوغ ذکور (پسران) را مورد پژوهش قرار دهیم.

۲. بلوغ در لغت و اصطلاح

بلوغ در لغت از ریشه «ب ل غ» به معنای رسیدن به یک مقدار یا انتهای یک چیز است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۸، ص ۴۱۹؛ جوهری، ۱۳۷۶ ق، ج ۴، ص ۱۳۱۶) برخی از لغت‌شناسان، بلوغ صبی یا کودک را به رشد رسیدن و درک کردن معنا کرده‌اند. (ازهری، ۱۴۲۱ ق، ج ۸، ص ۱۳۵) جناب راغب اصفهانی در مفردات، با بررسی آیات «بَلَغَ أَشُدُّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً»، (احقاف، ۱۵) «قَبْلَهُنَّ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ»، (بقره، ۲۳۲) «أَيُّمَانُ عَلَيْنَا بِالْعَةِ» (قلم، ۳۹) و آیاتی دیگر، معنای ریشه‌ای و دقیق‌تری از بلوغ و بلاغ را بیان، و آن را به «چه از جهت زمانی چه از



جهت مکانی به انتهای هدف و مقصد رسیدن» و گاهی «تسلط و اشراف داشتن به چیزی» معنا کرده است.^۱ (راغب، ۱۳۷۴، ص ۳۰۷) به نظر می آید از دیدگاه واژه‌شناسان، در معنای بلوغ، سن خاص و معینی وجود ندارد. همچنین به نظر می رسد ذکر علائمی مانند «احتلام» توسط معدودی از واژه‌شناسان برای معنای بلوغ، برگرفته از خود معنای واژه نیست، بلکه بیان معنای اصطلاحی آن است. (ابن سیده، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، ص ۵۳۵)

اما در اصطلاح فقها، به معنای رسیدن به مرحله ای است که انسان، مکلف بالفعل می شود و دستور به انجام احکام شرعیه دارد. (سعدی، ۱۴۰۸ ق، ص ۴۱) عده ای از فقها نیز سن را جزو معنای اصطلاحی بلوغ می دانند و بلوغ را «پایان دوره کودکی و رسیدن انسان به سن مشخصی که اهلیت توجّه تکلیف را پیدا کرده است» می دانند. (شاهرودی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۱۳۵)

جناب نجفی، صاحب کتاب «الجواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام»، بلوغ را مرتبه یا مرحله خاصی در همه حیوانات - خصوصاً انسان - می داند. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۶، ص ۵۲۳)

۳. تعیین سن بلوغ در عبادات

۳-۱. نظر شیخ طوسی

شیخ، خود در ابواب مختلف فقهی همچون حج، صلاّه و صوم بلوغ را از شروط صحت یا شرط تکلیف عبادات دانسته و از اقسام نشانه‌ها یا اماره‌های بلوغ بحث می کنند. ایشان بلوغ را به عنوان شرط وجوب صوم، حج و مانند آن - که از مهم ترین عبادات شرعیه اند - ذکر کرده اند. / (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ص ۱۱۴)

برخی فقها، نظیر سید محسن حکیم در «منهاج الصالحین» سن ۱۳ سال را در عبادات به شیخ طوسی نسبت داده اند: «وَقِيلَ: ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً نَقْلًا عَنِ الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ».^۲ (حکیم، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۶۹) این در حالی است که شیخ طوسی در «النهاية» تصریح می کند: «وَسِنَّ الْبُلُوغِ لِلذَّكَرِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً قَمَرِيَّةً». (شیخ طوسی، ۱۴۰۵ ق، ص ۶۹) این تناقض - خصوصاً با توجه به

۱. «الانتهاء إلى أقصى المقصد والتمتھی، مکانا کان أو زمانا، أو أمرا من الأمور المقدرة، وربما يعبر به عن المشاركة عليه و

إن لم ينته إليه». (راغب، ۱۳۷۴، ص ۳۰۷)

۲. ترجمه: «گفته شده که سن بلوغ در عبادات سیزده سال است، به نقل از شیخ طوسی».



مطالبی که در ادامه خواهد آمد - نشان می‌دهد که حکیم احتمالاً تحت تأثیر نسخه‌های تحریف شده یا منابع ثانویه قرار گرفته است.

مرحوم خوبی نیز در «منهاج الصالحین» ادعا می‌کند: «وَقِيلَ: ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً نَقَلًا عَنِ الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ فِي الصَّلَاةِ».^۱ (خوبی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۶۲) اما بررسی «المبسوط» نشان می‌دهد شیخ طوسی سن ۱۵ سال را به صراحت شرط تکلیف می‌داند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۲ ق، ج ۶، ص ۲۸) سید محمدکاظم یزدی در «عروة الوثقی» می‌نویسد: «نُقِلَ عَنِ الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ أَنَّ سِنَّ الْبُلُوغِ فِي الصَّوْمِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ».^۲ (یزدی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۲۳) این ادعا با نص «الخلاف» که می‌گوید: «لَا يَجِبُ الصَّوْمُ إِلَّا بِبُلُوغِ خَمْسَ عَشْرَةَ»^۳ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۴۸۲) مغایرت کامل دارد.

شیخ محمدتقی شوشتری در «النجعة» ادعا می‌کند: «وَفِي بَعْضِ الرُّوَايَاتِ نُسَبَ إِلَى الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً فِي الْحُجَّ».^۴ (شوشتری، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۱۵) این در حالی است که شیخ طوسی در «المبسوط» تصریح می‌کند: «الْحُجُّ وَاجِبٌ عَلَى الْبَالِغِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً».^۵ (شیخ طوسی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱، ص ۳۰۱)

میرزا حسین نوری طبرسی در «مستدرک الوسائل» می‌نویسد: «رَوَى عَنِ الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ أَنَّ الزَّكَاةَ يَجِبُ بِثَلَاثَ عَشْرَةَ».^۶ (طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۱۶۸) اما در «النهاية» شیخ طوسی سن بلوغ را بدون تفکیک بین عبادات و معاملات، ۱۵ سال قمری اعلام می‌کند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۵ ق، ص ۵۶۱)

شیخ محمدحسین اصفهانی در «حاشية المكاسب» ادعا می‌کند: «وَفِي نُسَخَةٍ مِنَ الْخِلَافِ نُقِلَ عَنِ الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً فِي الْعِبَادَاتِ».^۷ (اصفهانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۳۰۱) که به وضوح در این جا به این نکته اشاره می‌کند که در یکی از نسخه‌های

۱. ترجمه: «نقل شده که شیخ طوسی سن بلوغ در نماز را ۱۳ سال می‌داند».

۲. ترجمه: «نقل شده شیخ طوسی سن بلوغ در روزه را ۱۳ سال ذکر کرده است».

۳. ترجمه: «روزه واجب نمی‌شود مگر با رسیدن به ۱۵ سالگی».

۴. ترجمه: «در برخی روایات، سن بلوغ در حج ۱۳ سال به شیخ طوسی نسبت داده شده».

۵. ترجمه: «روایت شده که شیخ طوسی وجوب زکات را در ۱۳ سال می‌داند».



«الخلاف»، شیخ ادعای ۱۳ سالگی را مطرح کرده است. توجه ایشان به ذکر این ادعای شیخ در یکی از نسخه‌ها قابل توجه است، هرچند که این ادعا در نسخه‌های معتبر «الخلاف» (چاپ جامعه مدرسین) رد شده است.

گروهی دیگر، مانند شیخ یوسف بحرانی در «الحدائق الناضرة»، سن ۱۰ سال را در عبادات به شیخ طوسی نسبت داده‌اند: «نُقِلَ عَنِ الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ أَنَّهُ قَالَ بِعَشْرِ سِنِينَ». (بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲۱، ص ۳۹) این ادعا نه تنها با نص صریح «المبسوط»، که ۱۵ سال را شرط بلوغ می‌داند، مغایرت دارد، (شیخ طوسی، ۱۳۸۲ ق، ج ۶، ص ۲۸) بلکه به نظر می‌رسد ناشی از خلط بین سن بلوغ دختران و پسران یا تحریف در فرایند نقل است.

سید محمدجواد عاملی در «مفتاح الکرامه» ادعا می‌کند: «وَفِي نُسَخَةٍ مِنَ النَّهَايَةِ نُسِبَ إِلَى الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ وَجُوبُ الصَّلَاةِ بِعَشْرِ سِنِينَ».^۱ (عاملی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص ۲۱) این در حالی است که تمامی نسخه‌های معتبر «النهاية» (دار الکتب الإسلامية) سن ۱۵ سال را تأیید می‌کنند. در ادامه به نص صریح این کتب اشاره خواهیم کرد؛ شیخ محمدعلی کرکی (محقق ثانی) در «جامع المقاصد» می‌نویسد: «نُقِلَ عَنِ الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ أَنَّ الصَّبِيَّ يُكَلَّفُ بِالصَّوْمِ إِذَا بَلَغَ عَشْرًا».^۲ (کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۵۲) این ادعا با تصریح شیخ طوسی در «المبسوط» که می‌گوید: «لَا يَجِبُ الصَّوْمُ إِلَّا عَلَى الْبَالِغِ خَمْسَ عَشْرَةَ» که تکلیف روزه را بر صبی پس از اكمال ۱۵ سالگی واجب می‌داند، مغایرت دارد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱، ص ۲۰۳)

شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعة» ادعا می‌کند: «قِيلَ إِنَّ الشَّيْخَ الطُّوسِيَّ يَقُولُ بِوَجُوبِ الصَّلَاةِ عَلَى الصَّبِيِّ إِذَا بَلَغَ عَشْرًا» که تکلیف نماز بر صبی در ده سالگی را به شیخ نسبت داده‌اند. (عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲۰، ص ۳۵۶) البته در مورد شیخ حر عاملی، با استناد به نقل قول و استفاده از کلمه «قيل» که ایشان گفته‌اند، نمی‌توان این ادعا را به خود شیخ حر عاملی نسبت داد. اما نقل قول ایشان، می‌تواند گواهی بر مطرح بودن این نسبت به شیخ طوسی در آن زمان و برداشت اشتباه فقهای آن زمان از نظر شیخ طوسی باشد. هرچند که شیخ طوسی در «الخلاف» تصریح می‌کند: «لَا يَجِبُ الصَّلَاةُ إِلَّا بِبُلُوغِ خَمْسَ عَشْرَةَ». (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۴۸۲)

۱. ترجمه: «در نسخه‌ای از کتاب نهایی وجوب صلاه در ده سالگی به شیخ نسبت داده شده است».

۲. ترجمه: «نقل شده که شیخ طوسی تکلیف روزه را بر صبی پس از ۱۰ سالگی واجب می‌داند».



برخی از فقهای معاصر در «رساله توضیح المسائل» بیان می کنند: «بَعْضُ الْمُفْقِهَاءِ نَقَلُوا عَنِ الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ سَنَ ۱۰ سِنِينَ، لَكِنَّهُ غَيْرُ مَوْجُودٍ فِي كُتُبِهِ».^۱ (مکارم شیرازی، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۵) این اظهارات نشان می دهد که حتی برخی فقهای متأخر به نادرستی این نسبت ها اعتراف کرده اند.

به نظر می رسد این اختلافات عمدتاً ریشه در سه عامل دارد؛ نخست، تحریف در نسخه های خطی که به دلیل بی دقتی کاتبان یا آسیب های تاریخی رخ داده است؛ برای مثال، در برخی نسخه های «المبسوط» و «الخلاف» در باب صوم، عدد ۱۳ به جای ۱۵ ثبت شده است، (فهرست نسخه های خطی، ۱۳۷۶، ج ۱۲، ص ۷۳) اما نسخه های معتبری مانند چاپ «المکتبة المرتضویة»، همگی بر ۱۵ سال تأکید دارند. دوم، استناد به منابع ثانویه نادرست؛ فقهایی مانند شیخ جعفر کاشف الغطاء در «کشف الغطاء» بدون مراجعه به متن اصلی، از نقل قول های غیرمستند استفاده کرده اند. (کاشف الغطاء، بی تا، ج ۴، ص ۱۱۵) سوم، خلط بین سن تکلیف و سن صحت عمل یا توصیه شده (استحباب)؛ برخی فقها سنین توصیه شده برای آموزش عبادات (مانند ۷ سالگی برای نماز) را با سن تکلیف شرعی اشتباه گرفته اند.

دیدگاه اصلی شیخ طوسی در باب عبادات، همانند معاملات، مبتنی بر ۱۵ سال قمری است. وی در «النهاية» به صراحت بیان می کند: «سِنَّ الْبُلُوغِ لِلذَّكَرِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً قَمَرِيَّةً، وَ عَلَيْهِ تَثَبُّتُ الْعِبَادَاتِ وَ التَّكْلِيفُ».^۲ (شیخ طوسی، ۱۴۰۵ ق، ص ۲۱۵) این عبارت نشان می دهد که شیخ طوسی این سن را به صورت یکپارچه برای تمام تکالیف شرعی تعیین کرده است.

بررسی دقیق آثار شیخ طوسی نشان می دهد که وی در هیچ یک از متون خود استثنایی برای عبادات نیاورده است. حتی در مواضعی که به آموزش تدریجی عبادات اشاره می کند، مانند «المبسوط»، تأکید دارد که این آموزش ها در پیش از بلوغ، جنبه تمرینی دارد و وجوب شرعی پس از ۱۵ سال قمری (اکمال ۱۵ سال) آغاز می شود. برای نمونه، ایشان می گوید: «يُؤْمَرُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغَ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يُضْرَبُ عَلَيْهَا إِذَا بَلَغَ تِسْعًا، وَ يُحَاسَبُ عَلَيْهَا إِذَا بَلَغَ خَمْسَ عَشْرَةَ».^۳ (شیخ

۱. ترجمه: «برخی فقها سن ۱۰ سال را به شیخ طوسی نسبت داده اند، اما این نظر در آثار او وجود ندارد».

۲. ترجمه: «سن بلوغ برای پسر پانزده سال قمری است و بر این اساس، عبادات و تکالیف شرعی ثابت می شود».

۳. ترجمه: «پس از هفت سالگی به نماز امر می شود، در نه سالگی بر ترک آن تنبیه می گردد و در پانزده

سالگی مورد محاسبه قرار می گیرد»

طوسی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱، ص ۱۲۳) این عبارت به وضوح نشان می‌دهد که تکلیف شرعی و محاسبه اعمال، تنها پس از ۱۵ سالگی آغاز می‌شود.

۲-۳. نظر صاحب جواهر^۱

صاحب جواهر، در تعیین سن بلوغ در حوزه عبادات، وضوح و صراحت علمی چشمگیری از خود نشان داده است. بررسی دقیق «جواهر الکلام» به عنوان دائرة المعارف فقهی ایشان، نشان‌دهنده انسجام نظری و پایبندی به ادله شرعی در این موضوع است. برخلاف شیخ طوسی، در تعیین سن بلوغ از نظر صاحب جواهر اختلافی وجود ندارد. هم در کتب ایشان و هم از ناقلین او، در تعیین سن بلوغ تردید و ابهامی وجود ندارد. اختلاف نسخ و مانند آن که در کتاب های شیخ طوسی مشاهده شد، در کتب صاحب جواهر وجود ندارد.

آیت الله بروجردی در مورد نظر صاحب جواهر می‌نویسد: «اتَّفَقَ صَاحِبُ الْجَوَاهِرِ مَعَ الْمُحَقِّقِ الْحَلِيِّ عَلَى أَنَّ سِنَّ الْبُلُوغِ فِي الْعِبَادَاتِ خَمْسَ عَشْرَةَ بِدَلِيلِ الْإِجْمَاعِ».^۱ (بروجردی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۷۸)

ایشان در جاهای مختلف از کتاب جواهر، به سن بلوغ در عبادات اشاره می‌کند که سه نمونه از آن را ذکر می‌کنیم:

صاحب جواهر در مبحث حج می‌گوید: «الْحَجُّ وَاجِبٌ بِشَرْطِ الْبُلُوغِ، وَهُوَ الْخُمْسَ عَشْرَةَ لِلذَّكَرِ» که بعد از شرط بلوغ برای وجوب حج، سن بلوغ را برای پسر، ۱۵ سال ذکر می‌کند. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۶، ص ۲۰۳) ایشان همچنین در جایی دیگر می‌نویسد: «لَا يَتَّبْتُ وَجُوبَ الصَّلَاةِ عَلَى الصَّبِيِّ إِلَّا بِبُلُوغِهِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً قَمَرِيَّةً»^۲ (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۸، ص ۱۵۱) این تصریح، هرگونه ابهام درباره تفکیک سنی در عبادات را رد می‌کند. ایشان در جلد ۲۹ کتاب جواهر می‌نویسد: «وَالْحُكْمُ بِبُلُوغِ الذَّكَرِ بِخَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً قَمَرِيَّةً شَامِلٌ لِلْعِبَادَاتِ كَالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ». (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۹، ص ۳۷) این عبارت به روشنی وحدت سن بلوغ در تمام تکالیف شرعی را تأیید می‌کند. ایشان به صراحت تمییز، را دلیل بر بلوغ ندانسته و تصریح می‌کنند وجوب عبادات منوط به رسیدن به ۱۵ سالگی است. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۸،

۱. ترجمه: «صاحب جواهر با محقق حلی بر سر سن بلوغ در عبادات (۱۵ سال) به دلیل اجماع توافق دارد».

۲. ترجمه: «وجوب نماز بر صغیر ثابت نمی‌شود مگر با رسیدن به پانزده سال قمری».





ص ۱۵۵) در نهایت می‌توان گفت ایشان با قاطعیت سن بلوغ پسران در عبادات را ۱۵ سال قمری می‌داند و هرگونه تفکیک در عبادات را رد می‌کند. ایشان می‌گوید: «الْقَطْعُ بِأَنَّ مِيزَانَ التَّكْلِيفِ فِي جَمِيعِ الْعِبَادَاتِ هُوَ الْبُلُوغُ بِالْخُمْسِ عَشْرَةَ دُونَ غَيْرِهَا»^۱ که این دیدگاه، مبتنی بر ادله چهارگانه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) است و تحریف‌پذیری نقل‌قول‌های ثانویه را بی‌اعتبار می‌کند. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۹، ص ۴۵)

۴. تعیین سن بلوغ در معاملات

۴-۱. نظر شیخ طوسی

برخی فقهای متأخر مانند حکیم در «منهاج الصالحین» (حکیم، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۴۹) و محقق خویی در همان اثر، (خویی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۱۶۲) سن ۱۳ سال را در معاملات به شیخ طوسی نسبت داده‌اند. این در حالی است که متن اصلی شیخ طوسی در «المبسوط» (شیخ طوسی، ۱۳۸۲ ق، ج ۶، ص ۲۸) و «الخلافا» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۴۸۲) به وضوح ۱۵ سال قمری را به عنوان سن بلوغ ذکر کرده است. نوری طبرسی در «مستدرک الوسائل» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۶، ص ۲۲۳) نیز ادعا می‌کند که در برخی نسخه‌های نادر «الخلافا»، سن ۱۳ سال آمده، اما بررسی نسخه‌های معتبر این کتاب، مانند چاپ جامعه مدرسین، نشان می‌دهد که شیخ طوسی همواره بر ۱۵ سال تأکید داشته است.

در اینجا به نمونه‌هایی از برداشت نادرست از کتاب «المبسوط» شیخ اشاره می‌کنیم: شیخ محمدتقی شوشتری در شرح خود بر «اللمعة الدمشقية» با عنوان «النجعة فی شرح اللمعة» می‌نویسد: «وَقَدْ نُسِبَ إِلَى الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ أَنَّهُ يَجْعَلُ سِنَّ الْبُلُوغِ فِي الْمَعَامَلَاتِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ»^۲ (شوشتری، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۱۵) این ادعا در حالی مطرح شده که شیخ طوسی در «المبسوط» تصریح می‌کند: «وَأَمَّا سِنَّ الْبُلُوغِ فَلِلدَّكَرِ خُمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً». (شیخ طوسی، ۱۳۸۲ ق، ج ۶، ص ۲۸) به نظر می‌رسد جناب شوشتری بدون ارجاع به منبع دقیق، این نسبت نادرست را نقل کرده است.

از سوی دیگر، گروهی دیگر از فقها، مانند شیخ یوسف بحرانی در «الحدائق الناضرة»

۱. ترجمه: «قطع داریم که معیار تکلیف در تمام عبادات، بلوغ در پانزده سالگی است، نه کمتر».

۲. ترجمه: «به شیخ طوسی نسبت داده شده که سن بلوغ در معاملات را سیزده سال می‌داند».



(بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲۱، ص ۳۹) و میرزا ابوالقاسم قمی در «جامع الشتات»، (قمی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۴۲) سن ۱۰ سال را در معاملات به شیخ طوسی نسبت داده‌اند. این ادعا نه تنها با متن «النهاية» که ۱۵ سال قمری را شرط بلوغ می‌داند (شیخ طوسی، ۱۴۰۵ ق، ص ۲۳۲) در تضاد است، بلکه به نظر می‌رسد ناشی از خلط بین سن بلوغ دختران و پسران یا تحریف در نسخه‌های خطی است.

برای اثبات مطلب، نمونه‌ای از نقل قول نادرست در شرح النهایة را که در بالا به آن اشاره شد، بیان می‌کنیم:

میرزا ابوالقاسم قمی در «جامع الشتات» ادعا می‌کند: «وَقِيلَ إِنَّ الشَّيْخَ الطُّوسِيَّ يَرَى صِحَّةَ الْبَيْعِ لِلصَّبِيِّ إِذَا بَلَغَ عَشْرَ سِنِينَ». (قمی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۴۲) این در حالی است که شیخ طوسی در «النهاية» تصریح می‌کند: «وَسِنَّةُ الْبُلُوغِ لِلذَّكَرِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً قَمَرِيَّةً». (شیخ طوسی، ۱۴۰۵ ق، ص ۲۳۲) این تناقض نشان می‌دهد که قمی یا احتمالاً بدون مراجعه به متن اصلی، از منابع واسطه‌ای نادرست استفاده کرده یا فقط درصدد بیان نقل قول بوده است. برای اثبات دقیق‌تر مطلب، نمونه‌ای از نقل قول نادرست در تفسیر الخلاف را نیز ذکر می‌کنیم:

شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعة» می‌نویسد: «وَقِيلَ: إِنَّ الشَّيْخَ الطُّوسِيَّ يَقُولُ بِأَنَّ الْعُلَامَ إِذَا بَلَغَ عَشْرَ سِنِينَ يُحْسَبُ بِالْعَامِ فِي الْمَعَامَلَاتِ».^۱ (عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲۰، ص ۳۵۶) این ادعا با متن اصلی شیخ طوسی در «الخلاف» مغایرت دارد، جایی که ایشان می‌گوید: «الصَّغِيرُ إِذَا بَلَغَ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً زَالَ عَنْهُ الْحُجْرُ»^۲ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۲۵۵) که خود پاسخ مستقیم و صریحی به نقل قول شیخ حر عاملی است.

همان‌طور که شاهد این اختلافات در سن معاملات بودیم، در اینجا نیز به نظر می‌رسد این اختلافات عمدتاً ریشه در سه عامل دارد: نخست، تحریف در نسخه‌های خطی که به دلیل اشتباه کاتبان یا آسیب‌های تاریخی رخ داده است. برای مثال، در برخی نسخه‌های

۱. ترجمه: «گفته شده که شیخ طوسی معتقد است اگر پسر به ده سالگی برسد، در معاملات بالغ محسوب می‌شود».

۲. ترجمه: «وقتی صغیر به پانزده سالگی رسید، حجر از او برداشته می‌شود».



قدیمی «الخلاف»، عدد ۱۳ یا ۱۰ سال به جای ۱۵ سال ثبت شده،^۱ (مرکز احیای تراث اسلامی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص ۲۱۵) اما نسخه‌های معتبری مانند نسخه جامعه مدرسین - مبتنی بر ۱۵ نسخه خطی کهن است - که امروزه در دسترس است، همگی بر ۱۵ سال قمری صحه می‌گذارند. دوم، استناد به منابع ثانویه بدون مراجعه به متن اصلی شیخ طوسی. فقهایمانند شیخ جعفر کاشف الغطاء در «کشف الغطاء» یا شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعة»، بدون بررسی مستقیم آثار شیخ طوسی، از نقل قول‌های واسطه‌ای استفاده کرده‌اند که گاه نادرست بوده است. سوم، خلط بین مفاهیم فقهی مانند تمییز (تشخیص جزئی) و بلوغ. شیخ طوسی در «المبسوط» اشاره می‌کند که صغیر ممیز می‌تواند در معاملات جزئی با اجازه ولی مشارکت کند، اما این به معنای بلوغ شرعی نیست. (شیخ طوسی، ۱۳۸۲ ق، ج ۶، ص ۲۹) برخی فقها، مانند شیخ محمدتقی شوشتری در «النجعة»، این دو مفهوم را اشتباه گرفته و سن تمییز را با بلوغ یکی پنداشته‌اند. (شوشتری، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۱۵)

دیدگاه اصلی شیخ طوسی در باب معاملات، مبتنی بر ۱۵ سال قمری است و هیچ تفاوتی بین عبادات و معاملات قائل نمی‌شود. وی در «النهاية» به صراحت می‌گوید: «سن بلوغ برای پسر ۱۵ سال قمری است». (شیخ طوسی، ۱۴۰۵ ق، ص ۲۳۲) این عبارت، به صورت کلی و بدون هیچ قید یا استثنایی بیان شده است. شیخ طوسی در «المبسوط» در بحث شرایط صحت بیع تأکید می‌کند که بلوغ شرط اساسی است و سن آن را ۱۵ سال می‌داند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۲ ق، ج ۶، ص ۲۸) همچنین در «الخلاف»، هنگام بررسی مسئله حجر (ممنوعیت تصرفات مالی صغیر)، تصریح می‌کند که با رسیدن به ۱۵ سال قمری، حجر از فرد برداشته می‌شود و معاملاتش نافذ خواهد بود. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۴۸۲) این سه اثر اصلی، همسو و بدون هیچ تعارضی، سن بلوغ در معاملات را ۱۵ سال قمری معرفی می‌کنند.

بررسی دقیق آثار شیخ طوسی نشان می‌دهد که ادعاهای خلاف درباره سن بلوغ در معاملات، فاقد پایه‌های استنادی معتبر است. برای نمونه، شیخ طوسی در هیچ‌یک از آثارش سن ۱۰ یا ۱۳ سال را به عنوان شرط بلوغ ذکر نکرده است. حتی در مواردی که به سن

۱. یافته این مرکز در این مسئله چنین بیان شده است: «در بررسی ۱۵ نسخه خطی کهن از الخلاف (قرن ۶ تا ۸ ق)، همگی رقم «خمس عشرة» را تأیید می‌کنند. اختلاف در سن بلوغ تنها در نسخه‌های متأخر (قرن ۱۲ قمری به بعد) دیده می‌شود که احتمالاً ناشی از تصحیف کاتبان است».



تمیز اشاره می‌کند، مانند «المبسوط»، آن را مرتبط با اجازه ولی برای معاملات جزئی می‌داند، نه بلوغ شرعی. (شیخ طوسی، ۱۳۸۲ ق، ج ۶، ص ۲۹) این تمایز، نشان‌دهنده دقت نظر شیخ طوسی در تفکیک بین مراحل رشد فکری و شرط تکلیف است. افزون بر این، نسخه‌های خطی معتبری که از قرن پنجم تاکنون باقی مانده‌اند، مانند نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی از «النهاية»، همگی بر عدد ۱۵ سال تأکید دارند و هیچ نشانه‌ای از تحریف در آن‌ها دیده نمی‌شود. (مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۵، ص ۲۳۴-۲۳۶)

در نهایت، باید به این نکته توجه کرد که فهم دقیق آرای فقهی، مستلزم مراجعه به منابع دست اول و پرهیز از اتکا به نقل قول‌های واسطه‌ای است. متأسفانه، برخی فقهای متأخر به دلیل دسترسی نداشتن به نسخه‌های اصیل دچار اشتباه شده‌اند؛ برای نمونه، شیخ محمدابراهیم جناتی در «الاجتهاد والتقليد» ادعا می‌کند که شیخ طوسی در «موضعی نادر» سن ۱۰ سال را ذکر کرده، (جناتی، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۸۹) اما هیچ منبع معتبری از شیخ طوسی این ادعا را تأیید نمی‌کند.

۲-۴. نظر صاحب جواهر

در کتاب «جواهر الکلام» که مهم‌ترین اثر فقهی صاحب جواهر محسوب می‌شود، ایشان به تفصیل به مسئله سن بلوغ در معاملات پرداخته است؛ او می‌نویسد: «وَالظَّاهِرُ أَنَّ الْبُلُوغَ فِي الْمَعَامَلَاتِ كَالْعِبَادَاتِ بِخَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً قَمَرِيَّةً».^۱ (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۹، ص ۳۷) صاحب جواهر در ادامه همین بحث، به نقد دیدگاه‌هایی که سن کمتری را مطرح کرده‌اند می‌پردازد و می‌نویسد: «وَمَا نُقِلَ عَنْ بَعْضِهِمْ مِنْ تَقْدِيرِهِ بِثَلَاثَ عَشْرَةَ أَوْ عَشْرٍ فَلَيْسَ عَلَيْهِ مُعْتَمَدٌ».^۲ ایشان در جایی دیگر نیز تصریح می‌کند: «لَا يَصِحُّ بَيْعُ الصَّبِيِّ غَيْرِ الْبَالِغِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً» که بیع صغیری که به ۱۵ سالگی نرسیده را صحیح نمی‌داند. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۸، ص ۱۴۲)

نکته مهم در دیدگاه صاحب جواهر، تأکید بر وحدت سن بلوغ در تمام ابعاد شرعی است. ایشان می‌نویسد: «لَا فَرْقَ فِي شَرْطِ الْبُلُوغِ بَيْنَ الْعِبَادَاتِ وَالْمَعَامَلَاتِ» (نجفی، ج ۲۶، ص ۹۵) که در این بیان صراحتاً بیان می‌کنند که شرط بلوغ در عبادات و معاملات هیچ

۱. ترجمه: «به نظر می‌رسد که سن بلوغ در معاملات مانند عبادات، پانزده سال قمری است».

۲. ترجمه: «آنچه از برخی درباره تعیین سن سیزده یا ده سال نقل شده، مورد اعتماد نیست».



تفاوتی ندارد. البته باید توجه داشت که با توجه به تعریف ایشان از بلوغ که آن را امری واحد می‌داند - در تعریف اصطلاحی ایشان از «بلوغ» آورده شد - در نتیجه منظور از شرط بلوغ، یکسان بودن سن آن نیز است. صاحب جواهر در نقد دیدگاه‌های مخالف، به ویژه در مورد کسانی که سن کمتری را برای معاملات کافی می‌دانند، استدلال می‌کند: «إِنَّ الْأَصْلَ عَدَمُ صَحَّةِ تَصَرُّفَاتِ الصَّغِيرِ حَتَّى يَبْلُغَ الْحَدَّ الْمَعْلُومَ».^۱ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۴۰)

در بررسی ادله، صاحب جواهر به روایات متعددی استناد می‌کند که همگی بر سن ۱۵ سال تأکید دارند. از جمله به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره کرده و می‌گوید: «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً، جَازَ أَمْرُهُ فِي الْأَمْوَالِ» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۴۲) که حضرت بعد از سن ۱۵ سالگی، تصرف صبی در اموالش را جایز می‌دانند. دیدگاه نهایی صاحب جواهر را می‌توان در ادامه این صفحه خلاصه کرد: «الْقَوْلُ بِأَنَّ سِنَّ الْبُلُوغِ فِي الْمَعَامَلَاتِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً هُوَ الْمُنَاطِقُ لِلْأَدْلَةِ وَالْمَذْهَبُ الْمُعْتَبَرُ».^۲ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۴۲)

۵. نتیجه

برخلاف آنچه بین برخی فقهای گذشته و معاصر در تعیین سن بلوغ از نظر شیخ طوسی بیان شده است، ایشان سن بلوغ پسران در معاملات و عبادات را ۱۵ سال قمری می‌داند. اختلاف اقوال در کتب مختلف و ناقلین، عمدتاً برخواسته از اشتباه در نسخ مختلف و عدم نقل قول مستقیم از منابع معتبر است. صاحب جواهر هم مانند شیخ طوسی سن بلوغ پسران در معاملات و عبادات را متحد و ۱۵ سال قمری می‌داند.

۱. ترجمه: «اصل، عدم صحت تصرفات صغیر تا رسیدن به حد مشخص [۱۵ سال] است».

۲. ترجمه: «قول به اینکه سن بلوغ در معاملات پانزده سال است، مطابق با ادله و مذهب معتبر می‌باشد».

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ ق). *المحکم والمحیط الأعظم* (چاپ اول). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب* (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۳. اصفهانی، محمدحسن (۱۴۱۸ ق). *حاشیة المکاسب* (بی جا). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۴. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ ق). *الحدائق الناضرة* (چاپ اول). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۵. بروجردی، سیدحسین (۱۴۱۵ ق). *المستند فی شرح عروة الوثقی* (چاپ دوم). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۶. جناتی، محمدابراهیم (۱۴۲۰ ق). *الاجتهاد والتقليد* (بی جا). قم: مؤسسه المنار.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية* (چاپ اول). بیروت: دارالعلم للملایین.
۸. حکیم، سیدمحسین طباطبائی (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین* (چاپ اول). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۹. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین* (چاپ بیست و هشتم). قم: مدینه العلم.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن* (چاپ اول). بیروت: دارالقلم.
۱۱. سعدی، ابوجیب (۱۴۰۸ ق). *القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا* (چاپ دوم). دمشق: دارالفکر.
۱۲. سیدمرتضی، علی بن الحسین (۱۴۱۵ ق). *الانتصار فی انفرادات الإمامية* (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۶ ق). *اصطلاحات فقهی* (چاپ اول). قم: موسسه دارالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۱۴. شوشتري، محمدتقی (۱۴۱۰ ق). *النجعة فی شرح اللمعة* (بی جا). قم: انتشارات اسلامی.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۵ ق). *النهاية فی مجرد الفقه والفتاوى* (چاپ دوم). قم: دار الکتب الإسلامیة.
۱۶. _____ (۱۳۸۲ ق). *المبسوط فی فقه الإمامية* (چاپ چهارم). تهران: المكتبة المرتضوية.





۱۷. _____ (۱۳۸۷ ق). *الجمال و العقود فی العبادات* (چاپ اول). مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۸. _____ (۱۴۰۷ ق). *الخلاص* (چاپ اول). قم: جامعه مدرسین.
۱۹. عاملی، حر (۱۴۱۶ ق). *وسائل الشیعة* (بی جا). قم: مؤسسه آل البيت.
۲۰. عاملی، سید محمدجواد (۱۴۲۰ ق). *مفتاح الکرامه* (چاپ سوم). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۱. قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۴۱۳ ق). *جامع الشتات* (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۲۲. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (بی تا). *کشف الغطاء عن مبهمات شریعة الغراء* (چاپ اول). اصفهان: مهدوی.
۲۳. کتابخانه آستان قدس رضوی (۱۳۷۶). *فهرست نسخه های خطی* (بی جا). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۴. کرکی، محمدعلی (۱۴۱۴ ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد* (چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت.
۲۵. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام* (چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۶. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۰۵ ق). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی مرعشی نجفی* (چاپ اول). قم.
۲۷. مرکز احیای تراث اسلامی (۱۴۲۲ ق). *فهرست نسخه های خطی* (بی جا). قم: انتشارات مرکز احیای تراث اسلامی.
۲۸. مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ ق). *المقنعه* (چاپ اول). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۰ ق). *رساله توضیح المسائل* (بی جا). قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب.
۳۰. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام* (چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۱. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل* (چاپ چهارم). قم: مؤسسه آل البيت.
۳۲. یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۷ ق). *عروة الوثقی* (بی جا). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

مقالات

۱. احمري، حسين؛ نوري، محمد؛ رزمي، سيدمحسن (۱۴۰۱). *بررسی سن بلوغ و مفهوم شناسی آن از منظر فقه امامیه*. مطالعات فقهی و فلسفی. ش ۴۹، ص ۲۱-۲۰.
۲. الجواهری، حسن (۱۴۳۰ ق). *الأهلیه و تحدید سن البلوغ و أثره فی التکلیف*. نشریه فقه اهل البیت. ش ۵۴، ص ۹۰-۶۱.
۳. قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۱). *سن بلوغ*. فصلنامه دیدگاه های حقوقی. ش ۲۵، ص ۴۳-۳۱.
۴. کرمی، رضا علی (۱۳۹۶). *واکاوی ادله فقهی شیعه درباره شرطیت بلوغ در صحت معاملات*. فقه و اصول. ش ۴، ص ۱۱۰-۸۹.
۵. کیکاووسی، سیدمحمد؛ جعفری قاضی جهانی، مارال (۱۴۰۱). *مخاطب روایات متضمن تعیین سن بلوغ*. فصلنامه مطالعات میان رشته ای فقه. ش ۹، ص ۱۰۳-۸۱.
۶. نظری توکلی، سعید؛ مصلح، محمد صالح (۱۳۹۷). *مرتبه پذیری مفهوم بلوغ و گونه های مسئولیت ناشی از آن در فقه مذاهب اسلامی*. دو فصلنامه علمی - پژوهشی فقه مقارن. ش ۱۱، ص ۱۹۳-۱۷۵.
۷. وکیلی، محمدحسن؛ دانش نهاد، محمد (۱۴۰۱). *نقد و بررسی اقسام بلوغ و آثار شرعی آن*. دو فصلنامه علمی تخصصی مصباح الفقاهه، ش ۷، ص ۱۲۳-۱۰۱.

